

تأثیر پدیده جناح‌گرایی بر انتخابات دوره ششم شورای اسلامی شهر مشهد

سید محمدرضا قدردانی^۱

چکیده

مسئله مقاله حاضر، واکاوی پیامدهای ناکارآمدی احزاب و به وجود آمدن جناح‌گرایی در ایران است. بدین منظور، برای بالا بردن دقت بحث و پرهیز از کلی‌گویی، شرایط انتخابات دوره ششم شورای شهر مشهد بررسی شده است. در ایران، احزاب متعددی تشکیل شده‌اند و نام احزاب، زیاد بکار می‌رود اما بیش‌تر آنها در انجام کارویژه‌ای یک حزب مدرن ناکارآمد هستند. ناکامی تحزب موجب شده است احزاب واقعی و فراگیر شکل نگیرند یا اگر در گذشته شکل گرفته‌اند، الان فعال نباشند و در نتیجه پدیده جناح‌گرایی ایجاد شود. هدف مقاله پیش‌رو، این است که عواقب به وجود آمدن جناح‌گرایی را در انتخابات نشان دهد. اهمیت موضوع در آن است که می‌توان از نتایج حاصل شده، برای اصلاحات، توسعه سیاسی و گسترش مشارکت عمومی در جامعه بهره برد. در این راستا، بخشی از داده‌های موردنیاز، با روش اسنادی و از طریق مراجعه به کتاب‌ها، مجلات و مقالات گردآوری شد. همچنین، برای شناخت عملکرد جناح‌های سیاسی و لیست‌های انتخاباتی در ایام انتخابات دوره ششم شورای شهر مشهد، محتواهای مرتبط در خبرگزاری‌ها و وبسایت‌های خبری معتبر بررسی گردید. یافته‌ها نشان می‌دهند در انتخابات مذکور، خلأ فعالیت احزاب واقعی و ظهور جناح‌گرایی، موجب شد افراد و جریان‌های سیاسی، به ایجاد ائتلاف‌های مقطعی، تشکل‌های بی‌شناسنامه و گروه‌های غیررسمی رو آورند. در نتیجه، رقابت انتخاباتی، میان چنین گروه‌هایی شکل گرفت.

واژگان کلیدی: تحزب، جناح‌گرایی، توسعه سیاسی، انتخابات، شورای اسلامی شهر

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد s.ghardrani@gmail.com

مقدمه

انتخابات فرصتی برای تأثیرگذاری شهروندان در عرصه سیاسی و ابزاری مهم برای تحقق مشارکت عمومی است. در چارچوب انتخابات، مردم نظرشان را نسبت به شیوه اداره امور نشان می‌دهند و اگر از آن ناراضی باشند، فردی یا گروهی دیگر را که مناسب‌تر می‌دانند، جایگزین می‌کنند. بر همین اساس، یکی از مهم‌ترین کارکردهای انتخابات، قاعده‌مند کردن انتقال قدرت از گروهی به گروه دیگر است. در حکومت‌های مردم‌سالار قدرت در چرخش است و بطور مستمر دست به دست می‌شود. انتخابات زمینه‌های لازم برای این چرخش و تغییر در بخش‌های مختلف حاکمیت را فراهم می‌کند؛ از بروز استبداد جلوگیری می‌نماید و از شکل‌گیری ناراضی‌های عمومی می‌کاهد. بدین ترتیب، روابط میان دولت و شهروندان سازماندهی می‌شود.

برای توسعه کشور، انتخابات لازم است اما کافی نیست. جامعه‌ای که در آن، نهادهای مدنی و از جمله احزاب، قوی و فعال نیستند، نمی‌تواند تعامل مؤثری را میان دولت و مردم برقرار سازد. در این‌گونه جوامع، فضای سیاسی مبهم و غیرشفاف است و گروه‌ها و تشکلهای بصورت غیررسمی تشکیل می‌شوند. در چنین شرایطی، غالباً باندبازی و قبیله‌گرایی شکل می‌گیرد؛ افراد و جریان‌های سیاسی، غیرمسئولانه رفتار می‌کنند و پاسخگویی در قبال عملکرد و کارنامه‌شان ندارند. در نقطه مقابل، تشکیل و فعال شدن احزاب، رفتارهای سیاسی اعضای جامعه را سازماندهی می‌کند و به گسترش و تعمیق مشارکت افراد در تعیین سرنوشت‌شان منتهی می‌شود. به علاوه، نهادینه شدن مشارکت عمومی، مشروعیت نظام سیاسی را افزایش خواهد داد.

در جامعه ما، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، قانون اساسی، فعالیت احزاب را مورد توجه قرار داد. طبق اصل بیست و ششم این قانون «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».

با این وجود و علیرغم اینکه مطابق اصل مذکور، در کشور ما پدیده تحزب به لحاظ قانونی پذیرفته شده است، با این حال، نگاهی گذرا به تاریخچه فعالیت احزاب، نشان می‌دهد این نهادها، موفقیت چندانی در اجرایی کردن اهداف و کارویژه‌های خود نداشته‌اند و ناکارآمد بوده‌اند.

البته در طول سال‌های گذشته، احزاب متعددی مسیر لازم را برای کسب مجوزهای مربوطه طی کرده و تشکیل شده‌اند؛ نام احزاب نیز زیاد بکار می‌رود و مجموعه‌های مختلفی از عنوان حزب استفاده می‌کنند، اما بیش‌تر آنها صرفاً در حد اسم، یک حزب تلقی می‌شوند و حداکثر تشکل‌های سیاسی، باندهای سیاسی یا گروه‌های ذی‌نفوذ هستند و نه حزب سیاسی. عبارت دیگر، احزاب واقعی، فراگیر و کارآمد شکل نگرفته‌اند یا فعال نیستند و در نتیجه پدیده جناح‌گرایی ایجاد شده است.

پژوهش حاضر به دنبال آن است که مسئله خلأ فعالیت احزاب واقعی و به وجود آمدن جناح‌گرایی را در ایران بررسی کند و تأثیرش را بر انتخابات روشن سازد. با توجه به نقش مهم شوراهای شهر در نظام سیاسی ایران و اهمیت انتخابات آنها، هم‌چنین برای بالا بردن دقت بحث و پرهیز از کلی‌گویی، در نوشتار پیش‌رو، مطالعه موردی خواهیم داشت و از باب نمونه، شرایط انتخابات دوره ششم شورای شهر مشهد را واکاوی می‌کنیم. بطور مشخص، می‌خواهیم بدین سوال پاسخ دهیم: «جناح‌گرایی موجود در فضای سیاسی کشور، بر انتخابات (و بطور خاص، انتخابات دوره ششم شورای اسلامی شهر مشهد) چه تأثیری گذاشته است؟» فرضیه پژوهش این است که «در غیاب احزاب سیاسی کارآمد، جناح‌گرایی موجب پیدایش گروه‌های بی‌شناسنامه و ائتلاف‌های موقت در انتخابات دوره ششم شورای شهر مشهد شد. این امر، در مسیر توسعه سیاسی جامعه، اختلال ایجاد می‌کند».

۱۳۷

هدف تحقیق، این است که خلأها و کمبودهای موجود در پژوهش‌های قبلی پیرامون پیامدهای جناح‌گرایی را پُر کند؛ عواقب جناح‌گرایی در انتخابات را نشان دهد و بر ضرورت نقش‌آفرینی احزاب واقعی و قدرتمند در کشور تأکید نماید. اهمیت موضوع در آن است که با بررسی موردی سرنوشت انتخابات دوره ششم شورای شهر مشهد، تأثیرات جناح‌گرایی تبیین و تجربه‌های به دست آمده از وضعیت سیاسی فعلی مرور می‌شود و می‌توان از نتایج حاصل شده، برای اصلاحات، توسعه سیاسی و گسترش مشارکت عمومی در جامعه بهره برد.

در این مسیر، بخشی از داده‌های موردنیاز پژوهش، با روش اسنادی و از طریق مراجعه به کتاب‌ها، مجلات و مقالات گردآوری می‌شود. برای جمع‌آوری سایر اطلاعات موردنیاز، لازم است عملکرد جناح‌های سیاسی و لیست‌های انتخاباتی در ایام انتخابات دوره ششم شورای اسلامی شهر مشهد مطالعه شود. بدین منظور، محتواهای مرتبط در خبرگزاری‌ها و وبسایت‌های خبری معتبر بررسی

می‌گردد. هم‌چنین، ماهیت پژوهش با مطالعه کیفی تناسب دارد. بنابراین، برای ارزیابی فرضیه ارائه شده، از روش توصیفی، تحلیلی استفاده می‌شود.

۱- پیشینه پژوهش

در خصوص فرصت‌ها و چالش‌های حزب‌گرایی، آسیب‌شناسی احزاب ایرانی و بررسی علل ناکارآمدی آنها، تاکنون پژوهش‌های زیادی انجام شده و هر کدام، ابعاد مختلف موضوع را تحلیل و بررسی کرده‌اند؛ اما درباره عواقب ناکارآمدی احزاب و تأثیرات مختلف آن بر اوضاع جامعه، تحقیقات کافی انجام نشده است. هم‌چنین، پیرامون مسئله خاص این مقاله، پژوهشی که صرفاً جناح‌گرایی را مطالعه و درباره تأثیرش بر انتخابات تحقیق کرده باشد، وجود ندارد. با این حال، از باب آشنایی با ادبیات موجود، از میان تحقیقات مختلف انجام شده، به آثاری که با موضوع پژوهش حاضر ارتباط بیش‌تری دارند، اشاره می‌کنیم:

- آل‌غفور، هاشمیان و نوری گلجایی (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «الگوی راهبردی تعامل نظام حزبی و نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران»، بر چالش‌های احزاب در مواجهه با نظام انتخابات تأکید کرده و به دنبال پیدا کردن الگوی مناسب برای اصلاح این مشکل بوده‌اند. این پژوهش با استفاده از روش مصاحبه انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد اتخاذ راهبردهای ساختاری، مثل اصلاح قوانین انتخاباتی، در کنار راهبردهایی در سطوح کارگزاری مثل شفاف‌سازی در عملکرد و پاسخگویی احزاب، شفاف شدن تصمیمات، مواضع و رفتارهای متولیان انتخابات و حرفه‌ای شدن عضویت‌های حزبی، می‌تواند به برقراری تعامل مطلوب میان احزاب و نظام انتخاباتی منجر شود.

- آزادی (۱۳۹۸) در کتابی با عنوان «تبارشناسی جریان‌های سیاسی و آسیب‌شناسی احزاب در ایران»، مجموعه‌ای از گفتگوهای انجام شده با برخی از فعالان حزبی و سیاسی را گردآوری کرده است. در این گفتگوها، مصاحبه‌شوندگان، روایت و تحلیل خود را از وضعیت حزب در ایران ارائه داده‌اند. این گفتگوها قبلاً در روزنامه‌های صبح امروز، مشارکت، اعتماد، جامعه مدنی، ایران و کارگزاران چاپ شده و پس از بازبینی، محتوای کتاب مذکور را تشکیل داده است.

- کریمی (۱۳۹۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «چالش‌ها و موانع نظری حزب در جمهوری اسلامی ایران»، پیرامون موضوع حزب پژوهش کرده است. در این پژوهش، بر موانع و چالش‌های ساختاری موجود در ایران به لحاظ فرهنگ حاکم بر جامعه ایرانی تأکید شده و ساختار قدرت در جمهوری

اسلامی ایران به همراه موانع مربوط به خود نظام حزبی بررسی شده است. یافته‌های پژوهش، ضعف احزاب در ارتباط گرفتن با بدنه اجتماعی خودشان را نشان می‌دهد.

- جزینی‌زاده، شیخ‌زاده جوشانی و کمالی (۱۳۹۷) در مقاله «جناح‌گرایی و تأثیر آن بر فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مسئله جناح‌گرایی را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، محققان معتقدند جناح‌گرایی، یکی از ویژگی‌های نظام سیاسی ایران پس‌انقلاب است و تأکید می‌کنند این عامل عمده‌تأثیر منفی بر سیاست خارجی کشور گذاشته است.

- قربانی جعفریگی (۱۳۹۴) در پایان‌نامه‌اش با عنوان «چالش‌های نظام انتخاباتی ایران با تأکید بر زمینه‌های اجتماعی»، موضوع تحزب را مورد واکاوی قرار داده است. یافته‌های محقق نشان می‌دهد در ایران، احزاب سیاسی تمایل چندانی به گسترش فعالیت‌های خود ندارند. از سوی دیگر، ماهیت، برنامه‌ها و فعالیت‌های احزاب برای بسیاری از مردم روشن نیست. هم‌چنین، فعالیت‌های احزاب، مقطعی و محدود به دوران پیش از انتخابات است و در عمل، به جای احزاب، در ایران جناح‌های سیاسی فعالیت می‌کنند.

- حسینی وردنجانی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه خود با عنوان «دولت و ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران»،

بر علل اقتصادی ناکارآمدی احزاب متمرکز شده و از نظریه دولت تحصیل‌دار استفاده کرده است. بر ۱۳۹ این اساس، تأکید شده نهاد‌های مدنی و از جمله احزاب، برخاسته از طبقات اجتماعی نیستند، بلکه به اراده دولت‌ها شکل می‌گیرند و با افول آنها از بین می‌روند. پژوهشگر یکی از عوامل مهم ناکارآمدی احزاب را همین موضوع معرفی می‌کند.

- ناظری (۱۳۸۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، مهم‌ترین موانع تحزب در ایران را بررسی و آنها را معرفی کرده است. این موارد عبارتند از: فرهنگ سیاسی جامعه؛ عوامل تاریخی-سیاسی؛ ساختار سیاسی؛ شخصی و فرمایشی بودن احزاب؛ خلیات نخبگان سیاسی؛ فقدان تجربه در مشارکت سیاسی؛ ناهماهنگی توسعه سیاسی و اقتصادی؛ نقش گروه‌های نفوذ؛ موانع حقوقی و قانونی.

- تبریزنیا (۱۳۷۷) در کتاب خود با عنوان «برخی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران»، به دنبال پاسخ این پرسش است که «اصولاً چرا احزاب سیاسی در ایران ناپایدار بوده و هرگز نتوانسته‌اند در جامعه نهادینه شوند؟» برای واکاوی موضوع، نویسنده، تحولات عصر مشروطه تا پایان دوره پهلوی را

بررسی کرده و از نظریه عدم تقارن توسعه سیاسی با توسعه اقتصادی استفاده نموده است. به اعتقاد نویسندگان، هرگاه در ایران، مشخصه‌هایی از توسعه سیاسی (از جمله آزادی و فعالیت احزاب) به وجود آمد و رواج یافت، بطور شگفت‌انگیزی، در آن ادوار، روند توسعه اقتصادی متوقف گردید یا سیر نزولی داشت؛ برعکس، هرگاه مؤلفه‌های توسعه اقتصادی ظاهر شدند، شاخصه‌های توسعه سیاسی از میان رفته‌اند.

۲- تعریف مفاهیم

۱-۲- جناح‌گرایی

برخی اوقات، دو اصطلاح حزب و جناح، در ادبیات سیاسی و گفتگوهای محاوره‌ای، به یک معنا و مفهوم بکار می‌روند و تفاوت چندانی میان آنها گذاشته نمی‌شود. در این مواقع، حزب و جناح، بطور عام بر گروه‌ها و مجموعه‌های فعال سیاسی - بدون در نظر گرفتن شاخصه‌ها و ویژگی‌های هریک - اطلاق می‌گردد. با این حال، کاربرد یکسان این واژگان دقیق نیست و در علوم سیاسی این مفاهیم با یکدیگر متفاوت هستند. در همین راستا، برای بررسی مفهوم جناح و جناح‌گرایی، ابتدا لازم است مفهوم حزب، روشن شود.

واژه حزب را قبلاً در مورد بسیاری از تشکلهای مختلف بکار می‌بردند اما آن تشکلهای سازمان‌های مردمی که امروز احزاب سیاسی مدرن نامیده می‌شوند و به تنظیم عقاید عمومی در دموکراسی‌های جدید می‌پردازند، بسیار متفاوت بودند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۳). احزاب سیاسی مدرن، سازمان‌های باثباتی هستند که همراه با توسعه حق رأی همگانی شکل گرفتند و از اواخر قرن نوزدهم میلادی، بصورت سازمان‌هایی سراسری درآمدند که از طریق تکیه بر رأی مردم، در پی کسب قدرت سیاسی هستند (نقیب‌زاده، ۱۳۹۴: ۲۱۹). این تشکلهای، از چنین ویژگی‌هایی برخوردارند: از نظر ساختاری، دارای سازمانی مستمر و بادوام هستند؛ عمری طولانی‌تر از بنیانگذاران‌شان دارند و علاوه بر فعالیت در پایتخت، شعبات‌شان در سطح کل کشور فعال هستند. از نظر کارکردی، درصدد بسیج افراد برای دستیابی به مقام‌های دولتی هستند و از نظر اهداف، دارای برنامه‌ها و طرح‌هایی می‌باشند که بوسیله آنها، نظر رأی دهندگان را جلب می‌کنند (ایوبی، ۱۳۸۲: ۴۹). در حکومت‌های دموکراتیک، فعالیت احزاب ضروری است و از آنها، بعنوان ستون فقرات دموکراسی یاد می‌شود (عالم، ۱۳۹۳: ۳۴۸). در سوی دیگر، درخصوص واژه «جناح»، توافق عمومی و دقیقی در علوم سیاسی وجود ندارد. در تحقیقاتی

که در این زمینه صورت گرفته، از اصطلاح جناح، به سه مفهوم استفاده شده است: اول، به مفهوم گروه‌بندی داخل یک حزب سیاسی؛ دوم، به مفهوم گروه‌بندی در جنگ داخلی؛ سوم، به مفهوم رقابت در داخل یک نظام حکومتی (برزین، ۱۳۷۷: ۵). در این پژوهش، مفهوم سوم مورد نظر ماست.

بر این اساس، جناح، به افراد یا گروه‌هایی گفته می‌شود که اهداف و دیدگاه‌های مشترکی دارند و در کوتاه‌مدت یا بلندمدت، به منظور رقابت و کسب قدرت سیاسی، گردهم می‌آیند، بدون اینکه دارای ماهیت رسمی باشند. جناح، تشکیلی است که لزوماً مداومت ندارد و بنابر ضرورت و به مناسبت‌هایی مثل برگزاری انتخابات مجلس یا انتخابات شوراهای اسلامی شهر تشکیل می‌شود. بدین ترتیب، این مشخصه‌ها را می‌توان برای جناح‌ها ذکر کرد: برخلاف حزب، دارای شعب مختلف در سراسر کشور نیستند؛ شخصیت حقوقی ندارند و از نظر قانونی در جایی ثبت نشده‌اند؛ غالباً تصمیم‌گیران جناح نمی‌خواهند رسمیت حقوقی و قانونی پیدا کنند؛ به علاوه، جناح‌ها، به سرعت یا به تدریج، می‌توانند مواضع خود را تغییر دهند و شناسایی خود را دچار مشکل کنند (جمال‌زاده، ۱۳۸۲: ۳۸).

از منظر تئوری مدرنیزاسیون، جناح‌ها، نوعی از احزاب اولیه هستند که مقدمه احزاب مدرن محسوب می‌شوند و با یک حزب توسعه‌یافته، واقعی و کامل فاصله دارند. در این نگاه، جناح‌ها، بعنوان ویژگی

مراحل اولیه فرآیند مدرنیزاسیون تلقی می‌شوند و در آنها، افراد و گروه‌ها، الگوهای سنتی رفتار سیاسی^{۱۴۱} را در هم می‌شکنند اما در عین حال، نهادینه‌سازی مدرنیزاسیون همچنان صورت نگرفته است (Kollner and Basedau, 2005: 7). براساس آنچه ذکر شد، جناح‌گرایی، رویکردی است که در غیاب احزاب سیاسی واقعی شکل می‌گیرد و طی آن، نهادهایی که بعنوان جناح شناخته می‌شوند، در قالب یک نظام «شبه‌حزبی» فعالیت می‌کنند. در این رویکرد، جناح‌ها یکسان نیستند اما ویژگی مشترک‌شان، این است که ائتلاف‌هایی شکننده و ناپایدار از افراد و گروه‌هایی با دیدگاه‌های مشابه به وجود می‌آورند. آنها در طول زمان دستخوش تغییرات مداوم هستند و ساختار سازمانی ثابت ندارند. با این حال، نقش مهمی در تنظیم لیست‌های انتخاباتی ایفا می‌کنند (Saeid, 2010: 102).

۲-۲- شورای اسلامی شهر

محلی بودن برخی از امور و عدم ارتباط مستقیم آنها با حاکمیت ملی، حساسیت و اشتیاق دولت مرکزی را نسبت به این امور بنحو قابل توجهی کاهش می‌دهد. از طرف دیگر، امور محلی با زندگی مردم محل، کاملاً در ارتباط است. بنابراین، دوری دولت از امور محلی و نزدیکی مردم نسبت به این

امور باعث می‌شود موضوع واگذاری و انتقال بخشی از قدرت دولت مرکزی به مردم محل مطرح شود. از این انتقال قدرت، تحت عنوان «عدم تمرکز» یاد می‌گردد. عدم تمرکز، عبارت است از نوعی سازماندهی خاص حکومتی که در آن، دولت مرکزی، قسمتی از اختیارات محلی خود را به موجب قانون، به مجامع منتخب محلی واگذار می‌کند. این مجامع شخصیت حقوقی (استقلال مالی و اداری) دارند. بدین ترتیب، مردم محل قادر خواهند بود با ابتکار عمل، به امور محلی خود تحرک بیشتری ببخشند و از این طریق، انتظارات عمومی خود را برآورده سازند (هاشمی، ۱۳۸۷: ۳۱۷). با این حال، در تاریخ ایران، در مجموع، نوعی تمرکزگرایی در قدرت، حکومت و نظام سیاسی حاکم بوده است. در طول تاریخ کشور ما، امپراتوری‌ها و سلطنت‌های فردی و مطلقه، با تشکیلات اداری بالنسبه نهادینه، قدرت سیاسی و اداری را بصورت متمرکز در اختیار داشتند. در کانون چنین ساختار قدرتی، سلطان یا شاه قرار داشت که در واقع، نماد اصلی تجمع همه کانون‌های قدرت و ابزار تمسک به تمامی نهادهای اقتدار محسوب می‌شد. البته طبعاً گسست‌ها و انقطاع‌هایی بر اثر عوامل مختلف داخلی و خارجی در این تداوم و تسلسل تاریخی بروز کرده و چنین تمرکزی در مقاطع گوناگون شدت و ضعف داشته، اما جریان اصلی تاریخ ایران را تجمع و تمرکز قدرت تشکیل می‌داده است. این امر تا پیروزی نهضت مشروطه، وجه غالب نظام سیاسی این سرزمین بود (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۹: ۶۵-۶۶). سرانجام، در متمم قانون اساسی مشروطه، «انجمن‌های ایالتی و ولایتی» با هدف تمرکززدایی از قدرت پیش‌بینی شدند و توزیع قدرت در سطوح محلی کشور جنبه قانونی پیدا کرد. با این حال، خیلی زود، با شروع دوره پهلوی، فرصت اجرای جدی، کامل و سراسری این قانون از میان رفت. با پیروزی انقلاب اسلامی، نظام سیاسی جدید، توجه به نقش‌آفرینی و مشارکت شهروندان را مورد تأیید قرار داد و نظام مردم‌سالاری را برقرار ساخت و دموکراسی در سطح ملی را در قالب انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات نمایندگان مردم در مجلس پذیرفت. علاوه بر اینها، تجربه تاریخی رژیم گذشته و مطالبات مردمی درخصوص توزیع قدرت و تمرکززدایی از آن، موجب شد شوراهای محلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش‌بینی شوند. بر این اساس، اگر دموکراسی ملی را دموکراسی سیاسی بدانیم، در نظام عدم تمرکز، از طریق شوراهای محلی (و از جمله، از طریق شورای اسلامی شهر که محل بحث این پژوهش است)، دموکراسی اداری را اعمال کرده‌ایم. اصل هفتم قانون اساسی می‌تواند مؤید این نظر باشد که اعلام می‌دارد: «شوراها ... از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند» (هاشمی، ۱۳۸۶: ۴۸۹).

علاوه بر اصل هفت، فصل هفتم قانون اساسی، جزئیات بیش‌تری را پیرامون موضوع شوراها روشن کرده است. اصل یکصدم به صراحت توضیح می‌دهد «اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان» با نظارت شوراهای محلی صورت می‌گیرد و هدف از این اقدام، «پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با توجه به مقتضیات محلی» می‌باشد. در مورد جایگاه شورای شهر در قانون اساسی، چند نکته قابل توجه است. از آنجا که این نهاد نوعی پارلمان محلی محسوب می‌شود، می‌توان سه شأن و جایگاه برای آن در نظر گرفت:

۱) شأن تصمیم‌گیری و به بیانی قانونگذاری؛ البته قانونگذاری به مفهوم خاص در صلاحیت مجلس است و اینجا مورد بحث نیست؛ بلکه منظور از قانونگذاری شورای شهر، تصویب قواعد عام‌الشمولی است که مخالف قوانین مجلس نبوده و از نظر مرتبه، در درجه پایین‌تری از مصوبات مجلس قرار می‌گیرد.

۲) شأن نظارتی شورا که براساس آن، شورا بر اداره امور حوزه مربوط به خودش نظارت دارد.

۳) جایگاه شورا در تعیین برخی مقامات اجرایی محلی؛ در همین چارچوب، شورای شهر، شهردار را انتخاب می‌کند (امامی و استوار سنگری، ۱۳۸۹: ۱۰۸).

۱۴۳

نکات ذکر شده، اهمیت شورای اسلامی شهر را روشن می‌سازد. شورای شهر، یکی از مفاهیم اصلی در پژوهش حاضر تلقی می‌شود. انتخابات مربوط به آن، یک انتخابات غیرسیاسی و برای پرداختن به مسائل اجتماعی و محلی است. این انتخابات حدود بیست سال تعطیل بود تا اینکه پس از تشکیل دولت سید محمد خاتمی در سال ۱۳۷۶، انتخابات شوراها در روز هفتم اسفند ۱۳۷۷ برگزار شد و شوراهای شهر و روستا، از ۹ اردیبهشت ۱۳۷۸ کار خود را آغاز کردند.

۳- تاریخچه جناح‌گرایی در ایران

در ادامه بحث‌های نظری، لازم است تاریخچه شکل‌گیری جناح‌گرایی در ایران مرور شود. بحث پیرامون اندیشه جناحی در کشور ما، حدود سال ۱۳۷۴ باب شد. پیشقراولان این اندیشه، نظریه‌پردازان «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران» بودند. مباحث‌شان با مقالاتی تحت عنوان «گرایش‌های سیاسی» در دوهفته‌نامه «عصر ما» آغاز شد و به سرعت، به سایر نشریات سرایت کرد. جناح‌ها و

محافل سیاسی دیگر، به این مباحث، پاسخ‌های گوناگونی دادند. برخی آنها را تأیید و برخی تکذیب کردند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در این کار، ابتکار سیاسی و فکری به خرج داد؛ چراکه در برابر نظرات تثبیت شده‌ای که وجود جناح‌ها را به رسمیت نمی‌شناخت، افکار خود را مطرح کرد. به خصوص اینکه مبحث خود را فارغ از احساسات و در چارچوبی استدلالی ارائه کرد. این اتفاق، قدم مهمی، در پیشبرد فکر سیاسی در ایران بود. در برابر مباحث مطرح شده، دو خط فکری مخالف ظهور کرد. گروه اول معتقد بود اصولاً جناح و جناح‌بندی در نظام جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد و اگر هم تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد، آن قدر مهم و اساسی نیستند که مورد بررسی قرار گیرند. صاحبان این نظر، جزء طرفداران نظام محسوب می‌شدند و مسئله جناح و جناح‌گرایی را به توطئه خارجی نسبت می‌دادند. گروه دوم، در اعتقاد به فقدان جناح‌بندی در ایران با گروه اول هم‌عقیده بود اما موضع سیاسی متفاوتی داشت.

برخلاف گروه اول، اعضای گروه دوم از مخالفان نظام جمهوری اسلامی بودند و بحث جناح‌بندی را توطئه‌ای می‌دانستند که طرفداران نظام به وجود آورده و اشاعه داده‌اند. آنها معتقد بودند اگر هم اختلافاتی میان مقامات حکومتی هست، این را باید نوعی تصفیه حساب‌های شخصی و رقابت‌های خصوصی برای حفظ منافع فردی دانست. به نظر افراد گروه دوم، حکومت، توهم وجود جناح‌ها را ایجاد کرده تا مردم خیال کنند آزادی نسبی در جامعه وجود دارد و می‌توان به تغییر و اصلاحات دل بست. علاوه بر این دو گروه، دسته دیگری هم هستند که بحث جناح و جناح‌گرایی را نه توطئه خارجی می‌دانند و نه ساخته و پرداخته حکومت؛ بلکه آن را یک واقعیت سیاسی تلقی می‌کنند (برزین، ۱۳۷۷: ۲-۴). پژوهش حاضر، در راستای نظرات دسته سوم است.

با مطالعه تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مشاهده می‌شود افراد و گروه‌های مختلف در پی نقش‌آفرینی در فضای سیاسی و کسب قدرت بودند. به اعتقاد حسین بشیریه، پس از فروپاشی رژیم پهلوی و روی کار آمدن حکومت جدید، در فرآیند بازسازی ساختار دولت، چهار بلوک از نیروها و احزاب سیاسی در ایران پدیدار شدند:

(۱) نیروها و احزاب طرفدار اسلام سیاسی و نزدیک به روحانیون سیاسی؛ مهم‌ترین حزب آنها، حزب جمهوری اسلامی بود.

(۲) نیروها و احزاب لیبرال متعلق به طبقه متوسط جدید؛ نهضت آزادی و جبهه ملی، مهم‌ترین تشکل‌های این گروه محسوب می‌شدند.

۳) احزاب اسلام‌گرا، رادیکال و چپ متعلق به بخشی از طبقه روشنفکر و تحصیل‌کرده؛ سازمان مجاهدین خلق، از احزاب این دسته بود.

۴) احزاب و گروه‌های سوسیالیست و مارکسیست؛ حزب توده و سازمان فدائیان خلق، مهم‌ترین احزاب این گروه به شمار می‌رفتند (بشیریه، ۱۴۰۰: ۲۷-۳۳).

با سپری شدن سال‌های اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بویژه بعد از برکناری ابوالحسن بنی‌صدر از ریاست جمهوری، به تدریج، برخی از احزاب یا فعالیت‌شان را متوقف کردند یا غیرقانونی اعلام شدند؛ بعضی هم باقی هستند اما نمی‌توان آنها را در قالب یک حزب واقعی و مدرن معرفی کرد. در این سال‌ها، جریان‌های جدیدی مشهور به «جریان چپ» و «جریان راست» در درون گروه اسلام‌گرایان شکل گرفتند و ظهور یافتند. بطور کلی در اصطلاح سیاسی، «چپ» به مفهوم انقلابی و هوادار تغییر و دگرگونی و «راست» به معنای محافظه‌کاری و مخالفت با دگرگونی و اصلاحات است (جاسبی، ۱۳۸۹: ۷۶). تفاوت‌های دیدگاه‌ها و مواضع دو جریان چپ و راست، اوایل، عمدتاً حول مسائل اقتصادی بود اما کم‌کم، با پیش آمدن موضوعات جدید فرهنگی و سیاسی، دامنه اختلافات گسترش یافت. تاکنون، گروه‌های مختلفی، در ذیل این دو جریان تشکیل شده‌اند. جریان راست با عناوینی مثل «اصول‌گرا» و «انقلابی» و جریان چپ با نام‌هایی مانند «اصلاح‌طلب» و «جبهه دوم خرداد» یاد می‌شوند. البته ۱۴۵ گروه‌هایی نیز با عنوان جریان سوم یا مستقل شکل گرفته‌اند که تأکید دارند به هیچ کدام از جریان‌های «چپ» و «راست» وابسته نیستند.

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- ریشه‌های جناح‌گرایی در ایران

برای یافتن تأثیر جناح‌گرایی بر انتخابات، باید خاستگاه و ریشه‌های شکل‌گیری آن را مشخص کرد. در این راستا، ابتدا لازم است شرایط تشکیل احزاب را بررسی و علل ناکامی آنها را در ایران تبیین کنیم. احزاب سیاسی تحت شرایط اجتماعی خاصی پدید می‌آیند. لازم است اهمیت جامعه مدنی درک شده باشد تا ضرورت پیدایش احزاب بعنوان نماینده منافع و علایق گوناگون پیش بیاید. به علاوه، بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از جمعیت باید از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آمادگی مشارکت در حیات سیاسی را به دست آورده باشند. در جوامع سنتی که در آنها قدرت سیاسی در

دست الیگارشوی کوچکی قرار دارد، پیدایش حزب به مفهوم مدرن آن امکان ندارد. حزب سیاسی که مبتنی بر ایدئولوژی، سازماندهی، رهبری و برنامه‌های مشخص است، پدیده‌ای جدید و مدرن است. احزاب در این مفهوم، نخستین بار در کشورهای غربی، از درون اختلاف‌ها و شکاف‌های طبقاتی، مذهبی، منطقه‌ای و سیاسی نشأت گرفتند (بشیریه، ۱۳۹۴: ۱۲۳-۱۲۲).

درخصوص موانع فعالیت احزاب در ایران یا دلایل ناکامی و ناپایداری آنها، در قسمت مرور ادبیات موجود به برخی از پژوهش‌هایی که به این موضوع پرداخته‌اند، اشاره کردیم. علاوه بر موارد ذکر شده در آن قسمت، اکنون لازم است جزئیات بیشتری طرح شود. درباره علل ناکارآمدی احزاب، برخی از اندیشمندان به ریشه‌های تاریخی موضوع اشاره کرده‌اند. سعید حجاریان، یکی از فعالین سیاسی سرشناس جریان اصلاح‌طلب در مصاحبه‌ای در همین رابطه گفته است: «یک سری موانع (درباره شکل‌گیری احزاب در ایران) ریشه ساختاری و تاریخی دارند، به خصوص موانعی که به فرهنگ سیاسی مربوط می‌شوند. یک بدبینی سیاسی همیشه در تاریخ کشور ما وجود داشته که هزینه زیاد و عواید کمی را موجب می‌شده است. ساخت قدرت مطلقه در ایران، مانع هرگونه مشارکت سیاسی بوده و شکاف‌های عمده اجتماعی که به شقه شدن ساخت و بافت اجتماعی منجر می‌شده و مانعی برای گردهم آمدن مردم و سازمان یافتن آنها بوده و همچنین، ضعف نهادهای جامعه مدنی که پایه احزاب را تشکیل می‌دهند، موانع تاریخی‌اند که در ضمیر مردم و همچنین ساختار اجتماعی ما وجود داشته است و بر مردم ما سنگینی می‌کند» (آزادی، ۱۳۹۸: ۴۴۵). حجاریان در ادامه همین مصاحبه، به دو موضوع «وجود موانع قانونی بر سر راه فعالیت احزاب» و «عدم حمایت‌های قانونی از آنها» اشاره و تأکید می‌کند «موانع قانونی نیز وجود دارند اما عدم حمایت‌های قانونی بیشتر به چشم می‌خورند. یک وقت است که قانون، مانع و سد تحزب می‌شود و یک وقت هم قانون، حمایت چندانی از کار حزبی نمی‌کند. کار حزبی به کار اقتصادی می‌ماند. شما وقتی یک بنگاه اقتصادی راه می‌اندازید، انتظار دارید مانع تولید و تلاش اقتصادی‌تان نشوند اما یک وقت هم انتظار دارید دولت از شما حمایت کند. در بخش اول، دولت، جزء برای معدودی از جریان‌های سیاسی مانع ایجاد نکرده اما در مورد دوم، دولت، هیچ‌گاه از احزاب حمایت جدی نکرده است؛ در حالیکه نهادهای حزبی، مانده بسیاری از نهادهای اقتصادی در مراحل اولیه تکوین، نیازمند سیاست‌های حمایتی دولت هستند و اگر دولت حمایت جدی نکند (بدون اینکه بخواهد احزاب را به شکل ابزار درآورد و از آنها استفاده ابزاری کند)،

احزاب نمی‌توانند دوام بیاورند. لذا دولت‌ها باید این وجود، سخاوت و سماجت را داشته باشند که احزاب شکل بگیرند ولو اینکه با برنامه‌های دولت رقابت کنند» (آزادی، ۱۳۹۸: ۴۴۷).

علاوه بر اینها، برخی از اندیشمندان دیگر، بهبود سطح زندگی اقتصادی و رشد اجتماعی را بعنوان یکی از شرایط لازم برای توسعه سیاسی و شکل‌گیری احزاب معرفی کرده و در نقطه مقابل، مشکلات اقتصادی را بعنوان مانعی برای این موضوع مطرح نموده‌اند. این گروه، توسعه اقتصادی را بر توسعه سیاسی مقدم دانسته و معتقدند بدون رسیدن به حدی از رفاه و توسعه اقتصادی، نمی‌توان به توسعه سیاسی و نتایج آن مثل فعالیت احزاب دست یافت (نقیب‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۸۸). مردمی که مشکلات معیشتی جدی دارند و از سیر کردن شکم‌های گرسنه خود و خانواده‌شان ناتوان هستند، دغدغه‌ای برای مشارکت سیاسی و کار حزبی ندارند، بلکه مطالبات اقتصادی برای‌شان مهم‌تر است.

در کنار موارد بالا، این موارد را نیز می‌توان بعنوان سایر عوامل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران برشمرد: بی‌اعتنایی به فرهنگ مشارکت، ذهنیت توطئه‌نگر، خلق و خوی آمریت و تحکم، قانون‌گریزی، هیأتی رفتار کردن، ناهماهنگی میان توسعه سیاسی و اقتصادی و شخصی و فرمایشی بودن احزاب (ناظری، ۱۳۸۱: ۱۹۹-۲۱۵). وجود شرایط فوق و در نتیجه، ناکارآمدی و ناپایداری احزاب، موجب

شده است گروه‌های سیاسی در قالب جناح‌گرایی فعالیت کنند. می‌توان گفت در تاریخ ایران، به جزء ۱۴۷ فعالیت تعداد معدودی حزب واقعی در برخی برهه‌های زمانی، سایر فعالیت‌های سیاسی از سوی جناح‌ها برنامه‌ریزی، پیگیری و انجام شده است. بالطبع، جناح‌ها، فاقد ملاک‌ها و مشخصه‌های احزاب مدرن هستند و نمی‌توانند کارویژه‌های آنها را به درستی ایفا کنند. در نتیجه، جامعه، از مزایای فعالیت احزاب محروم است.

۴-۲- پیامدهای جناح‌گرایی در انتخابات دوره ششم شورای اسلامی شهر مشهد

۴-۲-۱- شکل‌گیری نظام شبه حزبی

در جوامعی که از نظام حزبی برخوردار هستند، احزاب مدرن، کارویژه‌های مختلفی بعهده دارند که با ایفای آنها، جامعه، در مسیر توسعه سیاسی قرار می‌گیرد. برخی از این کارویژه‌ها عبارتند از:

۱) سامان دادن رقابت‌های انتخاباتی؛ احزاب برای رقابت انتخاباتی تشکیل می‌شوند. نخستین وظیفه آنها، این است که نامزدهای مناسبی که ارزش پشتیبانی حزبی دارند و حزب را به موفقیت بیشتر در انتخابات کمک می‌کنند، برگزینند.

۲) تدوین سیاست‌های عمومی؛ احزاب، برنامه‌ها و سیاست‌های مدنظرشان را با احتیاط زیاد تدوین می‌کنند و سپس آنها را از طریق رسانه‌های هم‌سو با خودشان یا اجتماعاتی که شکل می‌دهند، توضیح می‌دهند و در مبارزه علیه احزاب مخالف، از آنها استفاده می‌کنند. بدین ترتیب، سیاست‌های احزاب گوناگون، در معرض دید رأی دهندگان قرار می‌گیرد و چه بسا در تدوین سیاست‌های عمومی کشور، مؤثر واقع شود.

۳) نظارت بر حکومت و انتقاد از آن؛ حزب اکثریت، حکومت را تشکیل می‌دهد و حزب اقلیت، اپوزیسیون را. اقلیت اقدامات اکثریت را تحت نظر دارد و با توسل به امکانات قانونی و حزبی که در اختیار دارد، هرگونه حرکت نادرست اکثریت را علنی و نقد می‌کند.

۴) آموزش سیاسی مردم؛ مبارزات انتخاباتی، مبارزات آموزشی هم هست و بواسطه فعالیت‌های احزاب، شهروندان نکات مختلفی، پیرامون اوضاع سیاسی جامعه و لوازم پیشرفت آن فرا می‌گیرند.

۵) واسطه میان حکومت و مردم؛ احزاب، پیوند دهنده فرد و حکومت هستند. رهبران حزبی، اقدامات حکومت را برای مردم توضیح می‌دهند و واکنش‌های مردم را به مقامات منتقل می‌کنند.

۶) گردهم آوردن افراد همفکر؛ احزاب، افراد همفکر را سازماندهی و دورهم جمع می‌کنند و شرایطی برای همفکری، مشورت و هم‌افزایی آنها فراهم می‌آورند (عالم، ۱۳۹۳: ۳۵۰-۳۴۹).

خلاً فعالیت احزاب واقعی و ظهور جناح‌گرایی موجب می‌شود کارویژه‌های ذکر شده با اختلال مواجه شوند؛ چراکه جناح‌ها و گروه‌ها و ائتلاف‌هایی که در قالب آنها شکل می‌گیرند، فاقد ویژگی‌های احزاب هستند. احزاب اساسنامه و مرامنامه دارند، اما جناح‌ها، از چنین متن‌هایی که اصول و راهبردهای آنها را مشخص کرده باشد، برخوردار نیستند. احزاب دارای برنامه عمل مدون هستند و کادرسازی می‌کنند، در حالیکه جناح‌ها برنامه عملی مدون ندارند و به کادرسازی هم توجهی نمی‌کنند. احزاب شبکه‌های ارتباطی گسترده‌ای در سراسر کشور دارند و این شبکه‌ها، براساس ضوابط تشکیلاتی، با سازمان مرکزی حزب مربوطه مرتبط هستند اما جناح‌ها، چنین شبکه‌هایی ندارند. احزاب از سیاست‌های مشخصی پیروی می‌کنند اما جناح‌ها بیشتر بصورت یک طیف فکری هستند؛ یعنی در درون آنها می‌توان گرایش‌های مختلفی را مشاهده کرد و دارای مواضع یکپارچه‌ای نیستند (مرتجی، ۱۳۷۸: ۱-۲).

مشخصه دیگری که درباره جناح‌ها مشاهده می‌شود، نقش تأثیرگذار چهره‌های سیاسی است. عبارت دیگر، بیش از آنکه مجموعه‌ای از اصول و مواضع مشخص به شکل‌گیری جناح‌ها منجر شود، این افراد هستند که در شکل‌گیری جناح‌ها نقش اصلی را ایفا می‌کنند. چنین وضعیتی باعث می‌شود سیاست‌های جناح‌ها بصورت از بالا به پایین تعیین گردد و کم‌تر امکان گفتگو در رده‌های پایین‌تر برای تأثیرگذاری در مواضع و سیاست‌ها پیش بیاید. البته حتی اگر چنین گفتگویی نیز صورت بگیرد، اعضای رده‌های پایین، تحت تأثیر مواضع رهبران جناح هستند (مرتجی، ۱۳۷۸: ۲۷۶). در این شرایط، به جای نظام حزبی، با یک نظام شبه حزبی روبرو می‌شویم. درخصوص نظام سیاسی ایران می‌توان گفت این نظام، برپایه احزاب سیاسی نیست. جمهوری اسلامی ایران طی مراحل مختلف نهادینه شدن خود، از یک نظام تک‌حزبی در دوران غلبه حزب جمهوری اسلامی در مجلس شورای اسلامی اول و دوم، به تدریج گذر کرد و به یک سیستم جناحی تبدیل شد. این وضعیت تاکنون ادامه داشته است (Mohammadi, 2014: 3). در انتخابات دوره ششم شورای اسلامی شهر مشهد، حاکم بودن این وضعیت به وضوح قابل مشاهده بود.

۴-۲-۲- پیدایش گروه‌های بی‌شناسنامه و ائتلاف‌های مقطعی

انجمن‌های محلی در قرون معاصر، محصول فرآیند دموکراسی در غرب هستند. از این‌رو، احزاب سیاسی همانطور که در انتخابات پارلمانی نقش اساسی ایفا می‌کنند، در انتخابات انجمن‌های محلی نیز فعال هستند. در جوامع غربی، در واقع، مردم به برنامه‌های احزاب در امور محلی رأی می‌دهند نه به اشخاص. از سوی دیگر، احزاب، بعنوان حامی و پشتیبان انجمن‌ها عمل می‌کنند و با تدوین برنامه‌های مدنظرشان و انتشار عمومی آنها، به بهبود سیاست‌های محلی کمک می‌نمایند. معمولاً موفقیت یا عدم موفقیت احزاب در انتخابات محلی، میزان محبوبیت آنها را مشخص می‌کند و با این ارزیابی، احزاب، برای رقابت پارلمانی آماده می‌شوند (محمدمیرزایی، ۱۳۸۱: ۱۰۹). با این وجود، همانطور که در بندهای قبلی ذکر شد، وضعیت ایران متفاوت است. به تبع کل کشور، در مشهد و در انتخابات دوره ششم شورای شهر، در غیاب احزاب، شاهد رواج جناح‌گرایی بودیم. بر این اساس، نیروها و گروه‌هایی که اهداف و دیدگاه‌های مشترک داشتند، با هدف کسب پیروزی در انتخابات، گردهم آمدند و تشکل یا ائتلافی را شکل دادند. این مجموعه‌ها، عمدتاً ماهیت رسمی نداشتند یا مقطعی، موقت و محدود به دوره انتخابات بودند و فعالیت‌شان تداوم نداشت.

تشکل‌ها و ائتلاف‌های شاخص‌تر در انتخابات مذکور را می‌توان این موارد معرفی کرد:

شورای وحدت و ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی خراسان رضوی (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۰، لیست ۱۵ نفره شورای وحدت و ائتلاف برای شورای شهر مشهد اعلام شد)؛

ائتلاف مردمی عدالت (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۰، اعلام موجودیت ائتلاف مردمی عدالت برای انتخابات شورای شهر مشهد)؛

ائتلاف نهضت مردم‌سالاری دینی (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰، لیست نهایی نهضت مردم‌سالاری دینی برای شورای شهر مشهد اعلام شد)؛

جبهه آرمان‌خواهان واقع‌بین (خبرگزاری فارس، ۱۴۰۰، لیست نهایی جبهه آرمان‌خواهان واقع‌بین برای شورای شهر مشهد اعلام شد)؛

شورای معتمدان محلات حاشیه شهر مشهد (خبرگزاری ایرنا، ۱۴۰۰، نگاهی به ائتلاف‌های اصول‌گرا در انتخابات شورای شهر مشهد)؛

ائتلاف اصلاح‌طلبان (خبرگزاری ایسنا، ۱۴۰۰، اعلام لیست اصلاح‌طلبان مشهد برای انتخابات شورای شهر). علاوه بر این موارد، ائتلاف‌های بی‌شناسنامه دیگری نیز در ایام انتخابات ظاهر شدند و به تبلیغات پرداختند.

البته رقابت حتی بین ائتلاف‌ها و لیست‌های مختلف منتسب به یک جریان سیاسی داغ شد و به افشاگری‌های درون‌گروهی رسید؛ مثل اینکه نامزدی مبلغی نجومی داده است تا در فلان لیست نامش را بگنجانند و یا نامزدی را با فشارهای پشت پرده در فلان ائتلاف جا داده‌اند. از این قبیل حاشیه‌ها، دامن‌گیر برخی از جناح‌ها شد (شهرآرانیوز، ۱۴۰۰، شور تبلیغات در مشهد برای شورای ششم). با این حال، رقابت انتخاباتی به جای آنکه در میان احزاب شناسنامه‌دار در جریان باشد، چنانکه ذکر شد، در میان گروه‌های بی‌شناسنامه و ائتلاف‌های مقطعی برقرار بود. این شرایط موجب شد در فرآیند برگزاری انتخابات و تهیه لیست‌های انتخاباتی شاخص‌هایی مثل شفافیت، پاسخگویی و تخصص‌گرایی با بی‌توجهی مواجه شود و در مقابل، سهم‌دهی به جریان‌های سیاسی پررنگ گردد.

نتیجه‌گیری

هرچند اصل توجه به تمرکززدایی، توزیع قدرت و تشکیل و فعالیت شوراهای محلی اتفاق خوشایندی است و مزایای فراوانی دارد اما صرف انجام انتخابات و راهیابی منتخبین به شوراها، به معنای تأمین اهداف و آرمان‌های مدنظر نیست. برای تقویت این نهادهای محلی، هم‌چنین به منظور دستیابی به توسعه سیاسی و گسترش مشارکت و رقابت گروه‌های اجتماعی مختلف، لازم است احزاب کارآمد تشکیل شوند و در انتخابات‌های مختلف، از جمله انتخابات شوراهای شهر، این احزاب، فعال و مؤثر باشند. با این حال، تحزب در کشور ما، شرایط مناسبی ندارد.

این پژوهش در پی تبیین تأثیر جناح‌گرایی بر انتخابات و بطور خاص، انتخابات دوره ششم شورای شهر مشهد بود. یافته‌ها نشان دادند جناح‌گرایی محصول ناکارآمدی احزاب کشور است و موجب شده صورت‌بندی‌های سیاسی مختلف، در ایام انتخابات، در قالب یک نظام شبه حزبی عمل کنند. این شرایط، سبب شد در انتخابات دوره ششم شورای شهر مشهد، افراد و جریان‌های سیاسی به ایجاد ائتلاف‌های مقطعی، تشکل‌های بی‌شناسنامه و گروه‌های غیررسمی رو آوردند تا خلأ فعالیت احزاب واقعی را پر کنند.

۱۵۱

بیش‌تر این گروه‌ها، فاقد ویژگی‌های احزاب سیاسی از جمله شناسنامه سیاسی، برنامه‌های عملی و مدون و موضع‌گیری‌های علنی و روشن بودند؛ کادرسازی‌های مرسوم احزاب، در میان آنها جایگاهی نداشت؛ فاقد شبکه‌های گسترده در سراسر کشور بودند؛ شفافیت و پاسخ‌گویی مناسب نداشتند؛ قائم به شخص بودند و برخلاف احزاب که در آنها کادر مرکزی، سلسله‌مراتب حزبی را از لایه‌های پایین حزب طی می‌کنند و به رهبری گروه می‌رسند، در این گروه‌ها، معمولاً چند شخصیت کلیدی از بالا، رهبری گروه یا ائتلاف مربوطه را بعهده گرفته بودند؛ هم‌چنین به‌رغم داشتن داعیه خدمت، به تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری توجه مناسبی نداشتند و لیست انتخاباتی مدنظرشان را بیش‌تر بر مبنای سهم‌دهی‌های سیاسی تنظیم کردند. بدین ترتیب، برخی از آنها را می‌توان باندهای قدرت نامید. انتخابات مورد بحث، با رقابت چنین گروه‌ها و ائتلاف‌هایی برگزار شد. بالطبع، این موضوع بر کیفیت و عملکرد نهادی که از دل چنین انتخاباتی بیرون بیاید، تأثیر گذاشته است. هم‌چنین، باید تأکید شود انتخابات دوره ششم شورای شهر مشهد، از باب مثال مورد پژوهش قرار گرفت. لذا، براساس قاعده «مشت نمونه خروار است»، می‌توان شرایط آن انتخابات را به کل کشور تسری داد. با برطرف

کردن عوامل ناکامی تحزب و شکل‌گیری احزاب واقعی و کارآمد، می‌توان از جناح‌گرایی عبور کرد و به توسعه سیاسی دست یافت.

فهرست منابع

فارسی:

آزادی، اسماعیل (۱۳۹۸). تبارشناسی جریان‌های سیاسی و آسیب‌شناسی احزاب در ایران، چ اول، تهران: انتشارات ثالث.

۲- آل‌غفور، سید محمدتقی و همکاران (۱۳۹۹)، «الگوی راهبردی تعامل نظام حزبی و نظام انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، ش ۱۷.

۳- امامی، محمد و استوار سنگری، کوروش (۱۳۸۹)، حقوق اداری، ج ۱، چ ۱۳، تهران: نشر میزان.

۴- ایوبی، حجت‌اله (۱۳۸۲)، پیدایی و پایایی احزاب سیاسی در غرب، چ ۲، تهران: نشر سروش.

۵- برزین، سعید (۱۳۷۷)، جناح‌بندی سیاسی در ایران، از دهه ۱۳۶۰ تا دوم خرداد ۱۳۷۶، چ ۱، تهران: نشر مرکز.

۶- بشیریه، حسین (۱۳۹۴)، جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، چ ۲۴، تهران: نشر نی.

۷- بشیریه، حسین (۱۴۰۰)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، دوره جمهوری اسلامی، چ ۹، تهران: نشر نگاه معاصر.

۸- تبریزنی، حسین (۱۳۷۷)، برخی علل ناپایداری احزاب سیاسی در ایران، چ ۱، مشهد: نشر سیاوش.

۹- جاسبی، عبدالله (۱۳۸۹)، احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی، چ ۱، تهران: دفتر پژوهش و تدوین تاریخ انقلاب اسلامی.

۱۰- جزینی‌زاده، اکرم و همکاران (۱۳۹۷)، «جناح‌گرایی و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ش ۲۸.

۱۱- جمال‌زاده، ناصر (۱۳۸۲)، اصطلاحات سیاسی، چ ۱، قم: انتشارات پارسایان.

۱۲- حسینی وردنجانی، سیدحمید (۱۳۹۰)، «دولت و ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران، دوره پس از انقلاب اسلامی»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه باقرالعلوم.

۱۳- خبرگزاری ایرنا (۱۴۰۰)، «نگاهی به ائتلاف‌های اصول‌گرا در انتخابات شورای شهر مشهد»، ارائه شده در:

irna.ir/news/84319671

۱۴- خبرگزاری ایسنا (۱۴۰۰)، «اعلام لیست اصلاح‌طلبان مشهد برای انتخابات شورای شهر»، ارائه شده در:

isna.ir/news/1400032014419

۱۵- خبرگزاری ایسنا (۱۴۰۰)، «اعلام موجودیت ائتلاف مردمی عدالت برای انتخابات شورای شهر مشهد»، ارائه شده در:

isna.ir/news/1400013017794

۱۶- خبرگزاری تسنیم (۱۴۰۰)، «لیست ۱۵ نفره شورای وحدت و ائتلاف برای شورای شهر مشهد اعلام شد»، ارائه شده در:

tasnimnews.com/fa/news/1400/03/14/2515153

۱۷- خبرگزاری فارس (۱۴۰۰)، «لیست نهایی جبهه آرمان‌خواهان واقع‌بین برای شورای شهر مشهد اعلام شد»، ارائه شده در:

farsnews.ir/razavi/news/14000319000434

۱۸- خبرگزاری فارس (۱۴۰۰)، «لیست نهایی نهضت مردم‌سالاری دینی برای شورای شهر مشهد اعلام شد»، ارائه شده در:

farsnews.ir/razavi/news/14000319000204

۱۹- شهرآرانیوز (۱۴۰۰)، «شور تبلیغات در مشهد برای شورای ششم»، ارائه شده در:

shahraranews.ir/fa/news/70637

۲۰- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۳)، *بنیادهای علم سیاست*، چ ۲۶، تهران: نشر نی.

۲۱- قربانی جعفربیگی، شهباز (۱۳۹۴)، «چالش‌های نظام انتخاباتی ایران با تأکید بر زمینه‌های اجتماعی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی*، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.

۲۲- کریمی، اکبر (۱۳۹۸)، «چالش‌ها و موانع نظری تحزب در جمهوری اسلامی ایران»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی*، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

۲۳- محمدمیرزایی، مرتضی (۱۳۸۱)، *تراژدی شوراها، تجزیه و تحلیل ۲۰ سال عدم تحقق یکی از مهم‌ترین نهادهای مدنی در ایران*، چ ۱، تهران: نشر روزنه.

۲۴- مدیرشانه‌چی، محسن (۱۳۷۹)، *تمرکزگرایی و توسعه نیافتگی در ایران معاصر*، چ ۱، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

۲۵- مرتجی، حجت (۱۳۷۸)، *جناح‌های سیاسی در ایران امروز*، چ ۲، تهران: نقش و نگار.

۲۶- ناظری، محمدرضا (۱۳۸۱)، «علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران»، *پایان‌نامه کارشناسی-ارشد علوم سیاسی*، دانشگاه امام صادق.

۲۷- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۸)، *حزب سیاسی و عملکرد آن در جوامع امروز*، چ ۱، تهران: نشر دادگستر.

۲۸- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۹۴)، *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*، چ ۱۳، تهران: انتشارات سمت.

۲۹- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۷)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی کلی نظام*، چ ۸، تهران: نشر میزان.

۳۰- هاشمی، سیدمحمد (۱۳۸۶)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حاکمیت و نهادهای سیاسی، چ ۱۵، تهران: نشر میزان.

لاتین:

31- Kollner, Patrick and Basedau, Matthias (2005). Factionalism in Political Parties: An Analytical Framework for Comparative Studies. German Overseas Institute (DÜI). Research Program: Legitimacy and Efficiency of Political Systems.

32- Mohammadi, Ariabarzan (2014). The Path Dependent Nature of Factionalism in Post-Khomeini Iran. United Kingdom: Durham University.

33- Saeid, Pedram (2010). The Role of Parliaments in the Resilience of Non Democratic Regimes: A Case Study of the Iranian Parliament (Majles). Being a Thesis submitted for the Degree of Doctor of Philosophy in the University of Hull.

